

بررسی سیاست‌های امنیتی ج.ا. ایران در خلیج فارس

حمید جهان‌آرا^۱

چکیده

خلیج فارس بعنوان یکی از منابع اصلی تامین انرژی همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. از این‌رو، امنیت خلیج فارس علاوه بر ابعاد منطقه‌ای دارای اهمیت و ابعاد بین‌المللی نیز است. در این شرایط، شناخت سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران بعنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه و دلایل اتخاذ این سیاست‌ها اهمیت مضاعفی می‌یابد. پرسش این مقاله معطوف به شناخت سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس و سپس دلایل اتخاذ این سیاست‌ها است. سیاست‌های امنیتی ایران در خلیج فارس عبارتند از: تاکید بر نظم منطقه‌ای و حذف دولت‌های غیرساحلی از ترتیبات امنیتی خلیج فارس، حمایت از جنبش‌ها و گروه‌های شیعی در منطقه و افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی. این سیاست‌ها بر دو پایه؛ برتری قدرت ایران در منطقه و سمت‌گیری سیاست خارجی آن مبنی بر تغییر وضع موجود شکل گرفته است. روش این پژوهش براساس ماهیت تحقیق تبیینی و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: امنیت، ایران، قدرت، سمت‌گیری سیاست خارجی، خلیج فارس

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد jahanara_2015@yahoo.com

مقدمه

خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۳۷ هزار کیلومتر مربع، یکی از مناطق استراتژیک جهان است. این منطقه آسیای جنوبی و جنوب شرقی، اروپا و آفریقا را به یکدیگر مرتبط می‌کند و بخشی از یک سیستم ارتباطی است که دریای مدیترانه و دریای سرخ، اقیانوس هند، اقیانوس کبیر و اقیانوس اطلس را به هم پیوند می‌زند. این منطقه به دلیل حساسیت جغرافیایی و در برداشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و تنگه استراتژیک هرمز، یکی از مهمترین آبراهه‌های راهبردی بین‌المللی به شمار می‌رود. رشد روزافزون تقاضای انرژی در جهان، این منطقه را همچنان تا مدت‌ها در کانون توجه جهانی قرار خواهد داد.

واقعیت‌های ژئوپلیتیک موجب شده است تا موضوع امنیت خلیج فارس، از مهمترین اولویت‌های ایران در پنج دهه اخیر باشد. ایران طولانی‌ترین ساحل را نسبت به سایر کشورها در خلیج فارس دارد و مهمترین بازیگر منطقه‌ای برای حفظ امنیت تنگه هرمز و خطوط کشتیرانی است. خلیج فارس جایی است که منافع اقتصادی، سیاسی و راهبردی امنیتی ایران در آن با یکدیگر تلاقی می‌کنند. خلیج فارس دهانه ورود ایران به اقیانوس هند و اقیانوس آرام و معبر اصلی «توسعه»، «امنیت انرژی» و «ثبات منطقه‌ای» است. در دوره‌های مختلف تاریخی همواره تنظیم روابط ایران با جهان عرب و قدرت‌های بزرگ بطور سنتی از طریق خلیج فارس صورت گرفته است. موضوع‌هایی همچون تسلط ایران بر خطوط کشتیرانی و بر تنگه هرمز، اهمیت ژئوپلیتیکی جزایر ایرانی خلیج فارس، نقش ایران در امنیت انرژی جهانی، ظرفیت‌ها و مبادلات مالی و تجاری در سطح منطقه، مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است. قرار گرفتن ایران در سرتاسر خلیج فارس موجب شده است تا ایران علیرغم تحریم‌های شدید، هیچگاه از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منزوی نشود. خلیج فارس نقطه امتیاز جمهوری اسلامی ایران و منطقه مهم در فرصت‌سازی در سیاست خارجی کشور و روابط با ملت‌های دیگر می‌باشد. ایران در دوره‌های مختلف قدرت اول خلیج فارس بوده و همواره خود را مسئول تامین امنیت خلیج فارس و تردد امن کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز می‌دانسته است. بنابراین، خلیج فارس یکی از کانون‌های مهم امنیتی ایران محسوب می‌شود (علایی، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

اهمیت حیاتی خلیج فارس برای ایران موجب ضرورت شناخت سیاست‌های امنیتی ایران در خلیج فارس و دلایل اتخاذ این سیاست‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، پرسش اصلی این مقاله دارای دو وجه متمایز اما به یکدیگر مرتبط می‌باشد. نخست اینکه محورهای اصلی سیاست‌های امنیتی ایران در خلیج فارس چیست و دوم؛ دلایل اتخاذ و تعقیب این سیاست‌ها چه هستند؟ در پاسخ به این دو پرسش مکمل و بعنوان فرضیه پژوهش می‌توان گفت: سیاست‌های امنیتی ایران شامل تاکید بر نظم منطقه‌ای و حذف دولت‌های غیرساحلی از ترتیبات امنیتی خلیج فارس، حمایت از جنبش‌ها و گروه‌های شیعی در منطقه و افزایش قدرت نظامی و

تسلیماتی می‌باشند و دلایل اتخاذ این سیاست‌ها قدرت برتری آن در میان کشورهای حوزه خلیج فارس منطقه و سمت‌گیری سیاست خارجی آن مبنی بر تغییر وضع موجود در منطقه است.

مبانی نظری: واقع‌گرایی امنیتی

مکتب واقع‌گرایی از پرسابقه‌ترین دیدگاه‌هایی است که برای تبیین رفتار خارجی دولت‌ها اعم از بزرگ یا کوچک کاربرد دارد، به ویژه در شرایطی که دستیابی به قدرت و امنیت مطلوب در شرایط بحرانی منطقه‌ای یا جهانی مدنظر بازیگران باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۷۳). این نظریه که رئالیسم فطری بشر نیز خوانده می‌شود، بر مبنای ماهیت قدرت‌طلب و شرور انسان، استوار شده است. بر این مبنای، برخلاف آرمان‌گرایی که قائل به قابلیت اصلاح رفتار بشری می‌باشند، واقع‌گرایان برآنند که سرشت و طبیعت انسان ثابت است و به راحتی قابل تغییر نیست (مورگنتا، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

رهیافت رئالیستی از جمله نگرش‌هایی است که مسئله امنیت، محور و پایه اصلی آن است. رئالیست‌ها در حوزه امنیت به مسائلی مانند امنیت بین‌الملل، ناامنی، بقاء، موضوعات امنیت مبتنی بر محور نظامی، خوداتکایی در تحصیل امنیت و دولت محوری در مرجع امنیت می‌پردازند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۶۱). از نظر واقع‌گرایان، روابط بین‌الملل هر چند صحنه یک جنگ دائم نیست، اما رقابت امنیتی بی‌رحمانه و احتمال جنگ همواره ۴۷ در آن وجود دارد. البته کشورها گاهی با یکدیگر همکاری می‌نمایند ولی این همکاری، محدودیت خاص خود را دارد و با منطق حاکم بر رقابت امنیتی که هیچ سطح همکاری نمی‌تواند آن را از بین ببرد محدود می‌شود (غلامحسینی، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

اگر امنیت را بعنوان «تلاش واحدهای سیاسی برای افزایش توانمندی‌ها و امکانات‌شان جهت رسیدن به وضعیتی که خود را ایمن از لطمات ناشی از عملکرد سایر بازیگران در عرصه سیاست بین‌الملل بیابند» (ماز، ۱۳۷۹: ۱۹) بدانیم، چگونگی طراحی سیاست‌ها و رویکردهای یک کشور برای تامین این موارد را سیاست‌های امنیتی می‌نامند. بطور کلی در نظریه واقع‌گرایی امنیتی دو عامل باعث اتخاذ سیاست‌های امنیتی متفاوت از سوی بازیگران می‌شود. نخست: قدرت و دوم: سمت‌گیری سیاست خارجی.

واقع‌گرایان امنیتی مسئله قدرت را یکی از دلایل اصلی توجه به ناامنی به جای امنیت می‌دانند و بر این نظر هستند که قدرت در ذات خود همواره ضربه زدن به دیگران را می‌پروراند. لذا تجمیع قدرت در دولت‌ها باعث می‌شود تا آنها در مقام آسیب زدن به دیگران برای تحصیل منافع بیشتر همواره تلاش کنند (عبداله-خانی، پیشین: ۶۸). در نتیجه، قدرت بر توانایی وارد ساختن صدمه فیزیکی به دیگران استوار است. ارزیابی

قدرت از توانایی‌های نظامی آغاز و در مرحله بعد به دیگر توانایی‌هایی که مستقیماً به حفظ و کاربرد توانایی‌های نظامی کمک می‌کنند و سپس به عواملی که به شکل غیرمستقیم‌تر چنین نقشی دارند پرداخته می‌شود. بنابراین قدرتمندترین بازیگران آنهایی هستند که از نظر نظامی توانمندتر از دیگرانند (تریف، ۱۳۸۳: ۸۴). زیرا هرچه برتری نظامی کشوری بر کشورهای دیگر بیشتر باشد، در امنیت بیشتری به سر می‌برد. همه کشورها دوست دارند مهیب‌ترین قدرت نظامی را داشته باشند. زیرا این بهترین راه تضمین بقا در جهانی است که می‌تواند بسیار خطرناک باشد. هدف عبارتست از کسب قدرت نظامی بیشتر به هزینه رقبای بالقوه. نتیجه ایده‌ال، به دست آوردن برتری در نظام بین‌الملل است و در این زمان می‌توان گفت که بقا تقریباً تضمین شده است (عبداله‌خانی، پیشین: ۶۵).

سمت‌گیری سیاست خارجی کشورها، از دیگر عوامل تعیین‌کننده سیاست‌های امنیتی آنان است. در اندیشه واقع‌گرایی، سیاست خارجی مانند سایر عرصه‌های سیاست، مبارزه‌ای است برای کسب و حفظ قدرت و اهداف غایی سیاست خارجی هرچه باشد همیشه قدرت، هدفی عاجل محسوب می‌شود. این مفهوم سیاست خارجی دو پیامد دارد. نخست آنکه تمامی رفتارها و اعمال یک دولت در قبال سایر دولت‌ها ماهیت سیاسی ندارند و بسیاری از این فعالیت‌ها بدون توجه به قدرت انجام می‌شوند و طبیعتاً بر قدرت دولتی که آنها را انجام می‌دهند، تاثیری نمی‌گذارند. دوم آنکه همه کشورها به یک میزان در صحنه سیاست خارجی فعالیت نمی‌کنند (مورگنتا، پیشین: ۴۶-۴۴).

۴۸

دولت‌ها با توجه به نوع و ماهیت نظام بین‌الملل برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خویش، از جهت‌گیری‌های مختلفی پیروی می‌کنند. هالستی از سمت‌گیری یا استراتژی در کنار نقش‌ها و هدف‌ها بعنوان برون‌دادهای سیاست خارجی نام می‌برد. از نظر او استراتژی یا سمت‌گیری کلی یک دولت به ندرت در یک تصمیم نمایان می‌شود، بلکه از سلسله تصمیمات متوالی معلوم می‌شود که در تلاش برای انطباق هدف‌ها، ارزش‌ها و منافع با شرایط و ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی اتخاذ شده‌اند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۶۶). یکی از سمت‌گیری‌هایی که دولت‌ها در سیاست خارجی خود دنبال می‌کنند، سمت‌گیری مبنی بر تغییر وضع موجود می‌باشد. دولت‌هایی که تغییر وضع موجود را در سیاست خارجی خود مبنا قرار می‌دهند، تلاش می‌کنند تا از سه طریق پیروزی در جنگ، برهم‌زدن موازنه موجود و نفوذ در دولت‌های ضعیف و پر کردن خلا قدرت، سیاست‌های خود را دنبال کنند. هنگامی که دولتی در حال جنگ با دولتی دیگر است، به احتمال قوی دولتی که پیروزی خود را پیش‌بینی می‌کند، درصدد بر می‌آید تغییری دائمی در روابط قدرت با دشمن شکست خورده بوجود آورد. این دولت صرف‌نظر از اهدافی که در آغاز جنگ داشته چنین سیاستی را در سیاست خارجی خود دنبال می‌کند.

شکست در جنگ ممکن است به سهولت در طرف مغلوب این خواست را به وجود آورد که موازنه را به ضرر دولت پیروز برهم بزند، وضع موجودی را که پیروزی دولت غالب به وجود آورده، براندازد و در سلسله مراتب قدرت جایگاه خود را با آن عوض کند. اگر دولت مغلوب کاملاً نابود گشته و مجذوب آرمان طرف پیروز هم نشده باشد تمایل می‌یابد آنچه را از دست داده، بدست آورد و حتی در صورت امکان سهم بیشتری نیز می‌طلبد. موقعیت دیگری که به نفع سیاست‌های تغییر وضع موجود عمل می‌کند، وجود دولت‌های ضعیف یا فضاهای خالی سیاسی است که برای یک دولت قوی جالب و قابل دستیابی هستند (مورگنتا، پیشین: ۱۰۷-۱۰۳).

سیاست‌های امنیتی ج.ا. ایران در خلیج فارس

مهمترین سیاست‌های امنیتی ایران در خلیج فارس عبارتند از: تاکید بر نظم منطقه‌ای و حذف دولت‌های غیرساحلی از ترتیبات امنیتی، حمایت از جنبش‌ها و گروه‌های شیعی در منطقه و افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی.

۱- تاکید بر نظم منطقه‌ای و حذف دولت‌های غیرساحلی از ترتیبات امنیتی خلیج فارس

۴۹

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ساختارهای موجود منطقه خلیج فارس، از طرف رهبران ایران مورد پرسش قرار گرفت. از دیدگاه رهبران انقلاب امنیت خلیج فارس باید صرفاً به دست کشورهای ساحلی و از طریق همکاری آنان با یکدیگر حاصل شود. برجسته‌ترین ویژگی این نگرش تاکید بر حذف دولت‌های غیرساحلی از ترتیبات امنیتی در خلیج فارس است (طارمی، ۱۳۸۵: ۹۵). ایران ساختار نظام بین‌الملل را در چارچوب منافع صرف قدرت‌های بزرگ می‌داند و خواستار تغییر الگوی رفتار آنها می‌باشد. از دیدگاه ایران خلیج فارس به معنای آب‌های مشترک همه کشورهای منطقه محسوب می‌گردد. به همین دلیل تمامی کشورهای منطقه دارای منافع مشترک در قبال منابع فیزیکی تهدید کننده امنیت خلیج فارس می‌باشند. ایران طرفدار ایجاد یک ساختار امنیتی است که تمام کشورهای ساحلی خلیج فارس را در برگیرد. به اعتقاد ایران امنیت منطقه اساساً باید توسط کشورهای این حوزه و در قالب و چارچوب منطقه‌ای تامین گردد. چارچوبی که در آن امنیت دسته جمعی از طریق همکاری میان کشورهای منطقه صورت می‌گیرد. از منظر ایران، هر نوع ترتیبات امنیتی که در آن حضور و نفوذ هر قدرت غیرمنطقه‌ای در نظر گرفته شده باشد نمی‌تواند به امنیت منطقه منجر گردد. در این رابطه مسئولان بلندپایه ایران به صراحت نظر خویش را در ارتباط با ایجاد یک ترتیبات امنیتی جمعی با رویکرد بومی به تواتر مطرح کرده‌اند (خلیلی، ۱۳۹۰: ۲۳۴). بعنوان مثال آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۸۶ در خصوص امنیت خلیج فارس گفت: «ما به سوی همسایه‌های

خلیج فارس که منابع عمده نفتی دنیا متعلق به این مجموعه است؛ همیشه دست دوستی دراز کرده‌ایم؛ الان هم با آنها دوستیم و دست دوستی دراز می‌کنیم و اعتقاد ما این است که کشورهای حوزه خلیج فارس باید پیمان دفاعی مشترک داشته باشند و با هم همکاری کنند» (www.farsi.khamenei.ir).

اختلاف نظر ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در تعریف ترتیبات امنیتی به یکی از موانع همکاری برای ایجاد نظام امنیتی تبدیل شده است. کشورهای محافظه‌کار عرب بر ایجاد نظام امنیتی منطقه‌ای با حضور قدرت‌های خارجی به ویژه آمریکا تاکید می‌ورزند (موسوی، ۱۳۸۶: ۸۵۰). در چنین شرایطی و همگام با سیاست ایالات متحده آمریکا مبنی بر ایجاد نظم نوین جهانی، کشورهای شورا به منظور حفظ وضع موجود در منطقه، از حضور مستقیم نیروهای نظامی غربی و به ویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس استقبال کرده و آمادگی خود را برای مشارکت امنیتی با آمریکا و تامین شرایط مناسب برای تداوم حضور نظامی آمریکا اعلام کردند (ملک‌محمدی و داودی، ۱۳۹۱: ۲۳۲). پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی و به‌رغم تمایل وی به گسترش تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط ایران با شورای همکاری خلیج فارس در سطوح مختلف تاکنون تغییر چشمگیری به خود ندیده است (صادقی اول و نقدی عشرت آباد، ۱۳۹۳: ۱۶۶). با این وجود، ایران همچنان خواستار ساختن امنیت و ثبات خلیج فارس بر همکاری و مشارکت بازیگران منطقه‌ای و پایان دادن به مداخله و حضور نیروهای خارجی در منطقه است؛ چرا که حضور و نقش‌آفرینی بازیگران خارجی را باعث اختلاف در نظم طبیعی خلیج فارس و تعاملات و همکاری‌های بومی می‌داند که در نهایت به تداوم ناامنی‌ها و حتی تشدید معضل امنیت می‌انجامد. بر این اساس، محورهایی از جمله کاهش حضور نیروهای خارجی، تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سطح منطقه و افزایش تعاملات و روابط در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی همواره از مسائل مورد توجه ایران در ترتیبات امنیتی خلیج فارس بوده است (Ottaway, 2009: 1-5).

۲- حمایت از جنبش‌ها و گروه‌های شیعی در منطقه

یکی دیگر از محورهای سیاست امنیتی ایران در منطقه، حمایت از جنبش‌ها و گروه‌های شیعی در منطقه است. با وقوع تحولات سیاسی در سال ۲۰۱۱ در خاورمیانه آیت‌اله خامنه‌ای حمایت خود را از جنبش‌های اعتراضی در عمل و گفتار اعلام کرد. حضور وی در کنفرانس بین‌المللی بیداری اسلامی، سخنرانی‌ها و ملاقات‌های مکرر با رهبران شیعی و نیز تدابیر او برای کمک به اعتراض‌های موجود، جملگی نشان دهنده مواضع رسمی و علنی ایران در حمایت از جنبش‌های اعتراضی در منطقه بوده است (رضوانی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۵۸). در بحرین، یمن، عراق و عربستان سعودی تجلی این سیاست ایران را به روشنی می‌توان دید. خیزش‌های مردمی در بحرین بعد از سقوط مبارک از روز ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ موسوم به روز خشم با حضور جوانان انقلابی

آغاز شد و بعد از سرکوب اولیه اعتراضات از سوی حکومت آل خلیفه به اعتراضات و راهپیمایی‌های گسترده مردمی تبدیل شد. در میان گروه‌های مخالف حکومت آل خلیفه، دسته‌ای به رهبری الوفاق خواستار اصلاحات و ایجاد نظام سلطنت مشروطه و تشکیل کابینه براساس آرای مردم شدند اما دسته دیگر به رهبری شخصیت‌هایی مانند حسین مشیح، خواستار تغییر حکومت در بحرین و ایجاد نظام جمهوری شدند (ناجی و آذرکمند، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۰۰).

بحرین برای ایران تنها در حکم همسایه نیست، بلکه این کشور در ورود ایران به مناسبات امنیتی، سیاسی و فرهنگی کشورهای حاشیه خلیج فارس نقش مهمی دارد. هویت شیعی اکثریت مردم بحرین در کنار مولفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن باعث شده تا این کشور در راهبرد منطقه‌ای ایران همواره کانون توجه باشد. در این راستا، ایران از هرگونه تحولات مردم‌سالارانه که به نفع شیعیان این کشور است حمایت می‌کند و در جریان اعتراض مردم، بعنوان مهمترین حامی انقلابیون بحرین بوده است (نیکو، ۱۳۹۱: ۱۱۵). چرا که سقوط حکومت آل خلیفه در بحرین باعث روی کار آمدن حکومت شیعی و گسترش مناسبات ایران با آن و تضعیف عربستان سعودی بعنوان رقیب عمده ایران در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت محدود شدن دسترسی نظامیان آمریکا به پایگاه‌های منطقه‌ای خواهد شد (توتی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱۶). نمونه چنین حمایتی را می‌توان در هشدار سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس به رژیم بحرین درباره سلب تابعیت ۵۱ روحانی بحرینی آیت‌اله شیخ عیسی دید. در بیانیه وی آمده است: «یقیناً آنها می‌دانند تجاوز به حریم آیت‌اله شیخ عیسی قاسم خط قرمزی است که عبور از آن شعله‌ای از آتش را در بحرین و سراسر منطقه پدید خواهد آورد و برای مردم راهی جز مقاومت مسلحانه باقی نخواهد گذاشت. قطعاً تاوان آن را آل خلیفه پرداخت خواهد کرد و نتیجه آن جز نابودی این رژیم سفاک نخواهد بود».

ایران تحولات یمن را در قالب بیداری اسلامی و سبب کاهش نفوذ غرب در منطقه می‌داند. ایران تلاش‌های عربستان سعودی را برای مدیریت تحولات یمن با نگرانی دنبال می‌کند و خواستار نقش‌آفرینی همه جریان‌های مذهبی و سیاسی از جمله شیعیان زیدی و به ویژه جنبش الحوثی در آینده این کشور است (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۶-۱۶۷). گسترش نفوذ جنبش انصاراله و شیعیان الحوثی در یمن و تسلط بیشتر بر تنگه راهبردی باب المندب، بعنوان یکی از مهمترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان و رگ حیاتی کشتی‌رانی در کانال سوئز، در کنار تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کرده و تردد دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس را به کنترل درآورد که این موضوع چشم‌اندازی هشدار دهنده برای طرف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که از نفوذ فزاینده ایران در منطقه نگران هستند (همان، ۱۷۴). آنچه برای ایران در یمن اهمیت دارد، در درجه نخست ایفای نقشی موثر در تحولات این کشور می‌باشد و در درجه

دوم، حمایت از متحدان خود برای جلوگیری از خروج احتمالی آنان از صحنه قدرت است. سیاست نخست سبب خواهد شد تا قدرت و جایگاه ایران در عرصه منطقه‌ای ارتقا یابد. این مسئله به خودی خود سیاست دوم یعنی ارتقای وزن گروه‌های همسو در یمن را افزایش می‌دهد. در صورت تغییر وضع موجود و عدم امکان مشارکت برای اجرایی شدن سیاست نخست، پیگیری سیاست دوم می‌تواند برگ برنده‌ای برای ایران در عرصه منطقه‌ای در تقابل با قدرت‌های رقیب باشد (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۳: ۶۲).

به دنبال حمله ایالات متحده آمریکا و متحدین‌اش به عراق و سقوط دولت صدام حسین، نفوذ ایران در عراق تشدید شد. عراق از سال ۲۰۰۳، بر نظم سیاسی-امنیتی موجود در جهان عرب و به ویژه منطقه خلیج فارس تاثیر گذاشته و حضور فعال ایران در مسائل منطقه‌ای را موجب شده است (رمضان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۵). متحدان سیاسی ایران در عراق در میان شیعیان و کردها به ساختار دولت جدید راه یافته و هیچ‌گاه به این اندازه قوی نبوده‌اند. ایران برای نخستین بار شاهد حضور شیعیان در عرصه سیاسی یک کشور عرب و یک جایگاه شناخته شده مشروع و بین‌المللی از سوی آنان است. این امر به خروج ایران از انزوا و تنهایی کمک کرده است. تفکر جاری در ایران این است که عراق سرآغاز ورود تعیین کننده جهان تشیع به عرصه گسترده‌تر بین‌المللی پس از سه دهه انزوا است (اسلامی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۴).

در عراق، ایران به گروه‌های شبه‌نظامی شیعی مانند سپاه بدر و حشدالشعبی کمک می‌کند. امروزه مشاورین ارشد نظامی ایران به ارتش عراق مشاوره می‌دهند و دولت شیعی عراق نیز از این حمایت استقبال می‌کند (فولر، ۱۳۹۴). الاسدی سخنگوی رسمی نیروهای داوطلب مردمی عراق (حشد الشعبی) با اشاره به کمک‌های ایران در مبارزه با تروریسم گفت: ایران بعد از سال ۲۰۱۴ که نیروهای داوطلب مردمی تشکیل شد، در تامین تسلیحات کمک کرده است. وی افزود در واقع ایران از آیت‌اله خامنه‌ای تا سردار سلیمانی و تمامی مستشارانی که با درخواست رسمی عراق برای آزادسازی شهرهای این کشور می‌آیند، نقش بزرگی ایفا می‌کنند. در روزها و هفته‌های نخست تشکیل حشدالشعبی، ایران نقش بسیار مهمی در تسلیح، آموزش و مشاوره داشت و برای این نیروها سلاح تهیه می‌کرد (بی‌نا(ج)، ۱۳۹۵).

با تاسیس پادشاه سعودی و اقدامات ضدشیعی آن، شیعیان عربستان تحت فشارهای شدیدی قرار گرفتند. چنین شرایطی باعث شد تا آنها به مقاومت علنی در برابر رژیم سعودی برخیزند و خواستار تغییر وضعیت‌شان شوند. بالا گرفتن شعله‌های انقلاب اسلامی در ایران و رهنمودهای امام خمینی (ره) الهام‌بخش رهبری سیاسی شیعیان عربستان سعودی شد و آنها رفته‌رفته بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود افزودند. انقلاب اسلامی موجب شد تا در شیعیان عربستان سعودی، خواست حقوق و آزادی‌های گسترده‌تر مذهبی جوانه بزند و تحت این شرایط، نسل جدیدی از رهبران شیعه به وجود آید که در آینده منشا تحولات گسترده شوند (احمدی-لفورکی، ۱۳۸۶: ۱۶).

وقوع بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، موجی از اعتراضات را در کشورهای عربی از جمله در عربستان سعودی برانگیخت. گزارش رسانه‌های مختلف در طول سال‌های ۲۰۱۱ و ابتدای ۲۰۱۲ حاکی از ایجاد موج‌های اعتراض و تظاهرات مردمی در شهرهای مهم منطقه شرق عربستان سعودی و حتی ریاض و جده و سایر نقاط عربستان بود. با وقوع تحولات سیاسی در منطقه خاورمیانه به ویژه در عربستان سعودی، آیت‌اله خامنه‌ای حمایت خود و ایران را از جنبش‌های اعتراضی در عمل و کلام اعلام کرد. حضور رهبر انقلاب در کنفرانس بین‌المللی بیداری اسلامی، سخنرانی‌های مکرر و نیز تدابیر ایشان برای کمک به مردم مسلمان منطقه جملگی نشان دهنده مواضع رسمی و علنی ایران در حمایت از جنبش‌های اعتراضی برای تغییر وضع موجود در منطقه بوده است (رضوانی‌فر، پیشین: ۱۴۰-۱۵۸). نمونه‌ای از حمایت ایران از شیعیان عربستان سعودی را می‌توان در واکنش به اعدام شیخ نمر در ۲ ژانویه ۲۰۱۶ دید که به سفارت عربستان در تهران حمله، ساختمان آن تخریب و پرچم کنسولگری عربستان سعودی در مشهد پایین کشیده شد.

۳- افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی

یکی از حوزه‌هایی که ایران در محیط امنیتی خود همواره به آن توجه داشته است، افزایش قدرت نظامی نیروی‌های مسلح می‌باشد. نیروهای مسلح ایران تحت فرماندهی آیت‌اله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی از سه بخش ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی تشکیل می‌شوند. این نیروها که مسئول محافظت از مرزها و برقراری امنیت داخلی هستند، از رسته‌های زرهی، پیاده‌نظام، کماندو، توپخانه و هوابرد تشکیل شده‌اند. این نیروها، با تشکیل قرارگاه‌های تخصصی همچون قرارگاه هواپیمایی خاتم‌الانبیا (ص) و قرارگاه‌های موشکی به ایفای نقش در تامین امنیت ایران می‌پردازند (Burgess, 2010: 6).

نیروی زمینی ایران برابر با استانداردهای منطقه‌ای شامل ۳۲۵ هزار نیروی فعال؛ با ۳۵۰ هزار نیروی ذخیره، و بیش از ۱۰۰ هزار نیروی اضافی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد. این نیرو دارای یک مزیت قابل توجه می‌باشد و آن هم داشتن نیروهای شبه‌نظامی در قالب نیروی مقاومت بسیج می‌باشد. در حال حاضر گفته می‌شود که قریب یک میلیون بسیجی در ایران وجود دارد که در صورت نیاز می‌توانند در خدمت دفاع از کشور قرار گیرند (Cordesman(b), 2015: 112).

نیروهای سپاه دارای ۳۱ دسته کوچک استانی و هر کدام دارای یک تیپ مستقل بزرگ و یک نیروی شبه-نظامی بسیج می‌باشند. این نیروها شامل تیپ‌های مستقل بزرگ، متوسط و کوچک است که بطور نسبی برای دفاع راهبردی طراحی و تجهیز شده‌اند. سپاه ایران دارای تیپ‌های زرهی چون تیپ شصتم، تیپ زرهی عماریاسر، تیپ زرهی بیست و یکم امام‌رضا (ع)، بخش هفتم ولی‌عصر در خوزستان و بخش زرهی هشتم نجف اشرف است. سپاه پاسداران نیروی ویژه‌ای تحت عنوان سپاه قدس دارد که تخمین زده می‌شود بین ۵

تا ۱۵ هزار نیرو داشته باشد. منابع غربی مدعی‌اند این نیرو که عملیات‌های برون مرزی ایران را هدایت می‌نماید، نقش موثری در حمایت، پشتیبانی، آموزش و کمک مالی به جنبش‌های اسلامی در کشورهای عراق، افغانستان، سوریه، فلسطین، لبنان، بحرین و یمن ایفا کرده و در تشکیل حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس تاثیرگذار بوده است (Taylor, 2009: 10).

ارتش ایران دارای یک نیروی زمینی متشکل از ۳۵۰ هزار نیرو می‌باشد. این نیروها شامل چهار لشکر زرهی، دو لشکر مکانیزه (ماشینی)، چهار لشکر پیاده، یک تیپ تکاور، یک تیپ نیروهای ویژه، یک تیپ هوابرد و چهار الی پنج گروه توپخانه و هفت تیپ مسلح مستقل، سیزده تیپ پیاده نظام و شانزده تیپ ماشینی می‌شود (Cordesman(a), 2006: 113). تجهیزات نیروی زمینی ایران در جدول ۱ آمده است.

جدول (۱) تجهیزات نظامی نیروی زمینی جمهوری اسلامی ایران

نوع تجهیزات	تعداد
تانک	۱۶۵۸
وسایل نقلیه زرهی (AFVs)	۱۳۱۵
سلاح توپخانه‌ای خودکار (SPGs)	۳۲۰
سلاح توپخانه‌ای یدک‌کش	۲۰۷۸
سیستم پرتاب موشک‌های متعدد	۱۴۷۴

منبع: (Global firepower, 2016)

در نیروی هوایی ارتش ایران ۳۰ هزار نفر خدمت می‌کنند که از این تعداد ۱۲ هزار نفر آن در خدمت نیروی دفاع هوایی هستند. نیروی هوایی سپاه پاسداران تخمین زده می‌شود که حدود ۳ تا ۵ هزار نیرو دارد. نیروی هوایی ایران دارای پایگاه‌های متعددی در نقاط مختلف کشور همچون همدان، دزفول، بوشهر، بندرعباس، جاسک، تهران (مهرآباد)، تبریز، شیراز، اصفهان و بندرعباس می‌باشد (Cordesman(a), Ibid: 22). موفقیت‌های این نیرو در ساخت انواع رادار، موشک، پهباد، هواپیماهای آذرخش، رعد، صاعقه و ساخت قطعات مختلف هواپیما و بالگرد که بعد از انقلاب به واسطه تحریم‌ها در اختیار ایران قرار نمی‌گرفت، موجب شد تا سهم این نیرو در پوشش عملیات‌های زمینی و دفاع از حریم هوایی کشور دوچندان گردد (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۸).

علاوه بر این، در بحث پدافند نیز نیروی هوایی ایران پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. قرارگاه خاتم‌الانبیا (ص)، یکی از مهمترین قرارگاه‌های دفاع هوایی کشور است که به دستور آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۷۱،

مسئولیت هماهنگی فعالیت‌های پدافند هوایی ارتش و سپاه را عهده‌دار شده است. این قرارگاه در ساختار تشکیلاتی جدید با تحویل گرفتن کامل یگان‌های پدافندی هوایی نیروی هوایی و اعمال فرماندهی کامل بر این یگان‌ها و نیز در اختیار گرفتن فرماندهی اطلاعات و شناسایی، شبکه راداری، موشکی، توپخانه‌ها و دیده‌بانی و سامانه‌های پشتیبانی رزمی و عمومی یگان‌های مذکور، از طریق سامانه فرماندهی و کنترل پدافند (ADOC-SOC-CRC-CP)، مسئولیت کنترل عملیات هوایی کشور را برعهده دارد (Burgess, Ibid: 20).

تجهیزات نیروی هوایی ایران در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲) تجهیزات نیروی هوایی ایران

نوع تجهیزات	تعداد
مجموع هواپیماها	۴۷۹
جنگنده رهگیر	۱۳۷
جنگنده هجومی بال ثابت	۱۳۷
هواپیمای حمل و نقل	۲۰۳
هواپیمای آموزشی	۸۰
هلیکوپتر	۱۲۸
هلیکوپتر هجومی	۱۲

منبع: (Global firepower, Ibid).

نیروی موشکی ایران یکی از قدرتمندترین توانمندی‌های نظامی در سطح منطقه است که طیف متنوعی از موشک‌ها با بردهای مختلف را در بر گرفته است. بعد از پایان جنگ، ایران در راستای دکتترین دفاعی‌اش کوشید که به توسعه فناوری موشکی خود بپردازد و در سال ۱۹۹۱ اولین موشک بالستیک خود را به نام شهاب ۱- با برد ۳۰۰ کیلومتر ساخت. دو سال بعد موشک شهاب ۲- را با برد ۵۰۰ کیلومتر تولید کرد (آرین‌ب، ۱۳۹۵). ایران در پایان دهه ۱۹۹۰، چند پروژه را درباره برنامه موشکی آغاز کرد. این پروژه‌ها عبارت بودند از: تقویت برد و کلاهک موشک شهاب ۳ و موشک شهاب ۴ که بیشتر مرتبط با صنعت پرتاب ماهواره است. ایران تا اواسط سال ۲۰۰۷ تنها توانسته بود موشک‌های شهاب ۳ را به صورت عملیاتی و موشک عاشورا را برای اولین بار به صورت آزمایشی تست کند. برد موشک شهاب ۳ بین ۱۳۰۰ تا ۲۰۰۰ و موشک عاشورا افزون بر ۲۰۰۰ کیلومتر است. در حال حاضر با دستیابی ایران به موشک عاشورا هر نقطه از خاورمیانه در تیررس موشک‌های ایران قرار دارد (باقری دولت‌آبادی، پیشین: ۷۵). یکی دیگر از موشک‌هایی که ایران در

سال ۱۳۸۵ از آن در رزمایش پیامبر اعظم رونمایی کرد، موشک «حوت» بوده است. حوت یک موشک زیرسطحی یا همان اژدر است که در دریا از روی ناوچه، ناو و یا زیردریایی شلیک می‌شود. این موشک سرعتی معادل ۱۰۰ متر در یک ثانیه، چهار برابر بالاترین سرعتی که برای اژدرها به ثبت رسیده سرعت دارد (بی-نا(الف)، ۱۳۹۲). فهرست انواع موشک‌های ایران در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳) انواع موشک ایران برحسب نمونه

نمونه‌ها	نوع موشک
شهاب ۴، شهاب ۵، شهاب ۶، ماهواره بر سفیر و پروژه کوثر	موشک‌های بالستیک دوربرد
شهاب ۳، فجر ۳، عاشورا و قدر ۱۱۰	موشک‌های بالستیک میان‌برد
شهاب ۱، شهاب ۲ و فاتح ۱۱۰	موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد
خلیج فارس	موشک بالستیک ضدکشتی
صمید، تندر ۶۹، زلزال ۱، زلزال ۲ و زلزال ۳	راکت‌های توپخانه ای
محراب، شاهین، میثاق ۱، میثاق ۲، صیاد ۱، شهاب ناقب و مرصاد	موشک‌های زمین به هوا
قائم	موشک ضد هلی‌کوپتر
صاعقه، رعد، توفان، توفان ۲، توفان ۵، توسن و دهلاویه	موشک‌های ضدتانک هدایت-شونده
نور، کوثر، قادر و ظفر	موشک‌های ضدکشتی
نصر ۱ و مسکات (در حال توسعه)	موشک کروز
قیام	موشک بدون‌بال
شفق، شاهین ۳، ستار و عصر ۶۷	موشک‌های هوا به زمین
فاطر و سجیل	موشک‌های هوا به هوا
کوسه، یاسین و حوت	اژدرها
آرش، فجر ۳، فجر ۵، فلق ۱، فلق ۲، عقاب و حاسب	کاتیوشا

منبع: (باقری دولت‌آبادی، پیشین: ۸۰)

نفرات نیروی دریایی ایران ۳۵,۶۰۰ نفر است. در مقایسه با تعداد کل ۲۱,۲۰۰ نیروی دریایی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، ایران دارای بزرگترین تعداد تفنگ‌دار دریایی است. قدرت تفنگداران و نیروی دریایی ایران ناشی از تاکید آنها بر نبرد دریایی غیرمتقارن است. این استراتژی، ایران را قادر می‌سازد که کمبودهای خود در قدرت هوایی را جبران کند. ایران تعداد زیادی از قایق‌های تندرو و کشتی‌های کوچک را در اختیار دارد که به آسانی قابل پراکنده و پنهان شدن و در دریا به سختی قابل شناسایی هستند و می‌توان از آنها برای محاصره و حمله به کشتی‌های بزرگتر با موشک ضدکشتی و منهدم کننده استفاده نمود

(Cordesman(b),Ibid: 153). نیروی دریایی ایران شامل چهار بخش زیردریایی، قایق‌های تندرو مجهز به موشک، ناوچه‌های گشتی و واحدهای کمکی از قبیل واحدهای ناوبری دریایی، تفنگداران دریایی و واحدهای کماندوی دریایی است (Burgess,Ibid: 6).

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که حوزه عملیات آن در خلیج فارس و تنگه هرمز است، با تکیه به دکتین نبرد نامتقارن به استفاده از ناوچه‌ها و قایق‌های تندرو برای حمله‌های زنبوری، موشک‌های ساحل به دریا، مین‌گذاری و عملیات ویژه کماندویی چشم دوخته است. این نیرو موشک‌های بالستیک ضدکشتی خلیج فارس (گونه دریایی موشک فاتح ۱۱۰) را در اختیار دارد و برخی از شناورهای این نیرو به اژدر، موشک‌های سطح به سطح از جمله نور، کوثر و نصر-۱ مجهزند (آرین(الف)، ۱۳۹۴). این نیرو در چهار منطقه دریایی متمرکز است. منطقه یکم دریایی (پایگاه دریایی شهید باهنر واقع در بندرعباس)، منطقه دوم دریایی (پایگاه شهید محلاتی واقع در بوشهر)، منطقه سوم دریایی (پایگاه دریایی نوشهر) و منطقه چهارم دریایی (بابلسر) (باقری دولت‌آبادی، پیشین: ۵۳-۵۲). نیروی دریایی ارتش در دریای عمان حضور دارد و بعنوان یک نیروی دریایی راهبردی حضور منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را تثبیت می‌کند. نیروی دریایی راهبردی که نیروی دریایی آب‌های آبی یا استراتژیک نیز خوانده می‌شود در تعریف کلی باید قادر به حضور و اجرای عملیات در آب‌های دست‌کم ۱۵۰۰ مایلی دریایی (حدود ۲۸۰۰ کیلومتر) از سواحل خود باشد (آرین(الف) ۵۷ پیشین).

یکی دیگر از اقدامات ایران در تجهیز و بروزرسانی ناوگان دریایی خود، ساخت شناورهای پرنده توسط نیروی دریایی بوده است. ایران برای اولین بار شناور پرنده باور-۱ را در سال ۱۳۸۴ ساخت و سپس نوع بهینه‌سازی شده آن را به نام باور-۲ در رزمایش پیامبراعظم-۲ در فروردین ۱۳۸۵ بعنوان یک پرنده رادارگریز وارد میدان کرد و ۱۲ فروند از این شناورها را به نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحویل داد. آخرین نمونه شناور پرنده ایران، باور-۴ نام دارد که در آذر ماه سال ۱۳۹۳ در نمایشگاه صنایع هوایی کیش رونمایی شد (همان). ایران به منظور نشان دادن اقتدار نیروی دریایی خود، هر ساله رزمایش‌های متعددی را انجام می‌دهد. آخرین رزمایش نیروی دریایی ایران، رزمایش ولایت ۹۴ بوده است. امیر دریادار حبیب‌اله سیاری فرمانده نیروی دریایی با اشاره به برگزاری این رزمایش گفت: «هدف از برگزاری این رزمایش برقراری امنیت در منطقه شرق تنگه هرمز، دریای عمان و شمال اقیانوس هند بود (بی‌نا(ب)، ۱۳۹۴). تجهیزات نیروی دریایی ایران در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴) تجهیزات نیروی دریایی ایران

نوع تجهیزات	تعداد
ناو هواپیمابر	۰
ناوچه	۶
ناوشکن	۰
رزم‌ناو	۳
زیردریایی	۳۳
پدافند ساحلی	۲۵۴
کشتی مین‌گذار	۵

منبع: (Global firepower, Ibid).

عوامل موثر در اتخاذ سیاست‌های امنیتی

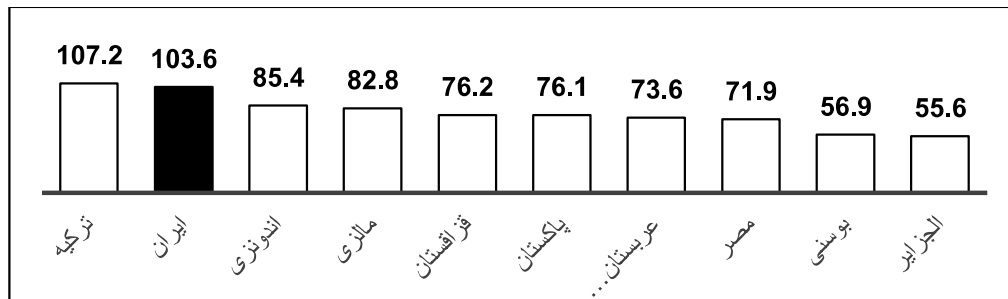
ایران سیاست‌های امنیتی پیش گفته را در خلیج فارس دنبال می‌کند. در اتخاذ این سیاست‌ها، عوامل متعددی دخیل هستند. اما مهمترین آنها عبارتند از: برتری قدرت ایران در منطقه و سمت‌گیری سیاست خارجی مبنی بر تغییر وضع موجود. ۵۸

۱- برتری قدرت

قدرت مفهومی نسبی است و قدرتمند بودن به اقتضای دو فضای زمانی و مکانی سنجیده می‌شود. با توجه به اینکه قدرت در قلب سیاست بین‌الملل قرار دارد، شگفت‌آور نیست اگر بدانیم که در اکثر نظریه‌های روابط بین‌الملل، برای اندازه‌گیری قدرت ملی، راهکارهایی عرضه شده است (اشلی تلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۷). با توجه به تنوع و تعدد عوامل و متغیرهای سنجش قدرت ملی کشورها و یکسان نبودن روش‌های سنجش آنها، ما در این پژوهش با استناد به یکی از سنجش‌های صورت گرفته شده، به سنجش قدرت ملی ایران خواهیم پرداخت (زرقانی، ۱۳۹۲: ۲۰). سنجش قدرت ملی در این مدل بر پایه نه فاکتور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فرامرزی، سرزمینی، نظامی، فضایی و علمی صورت گرفته است. هر فاکتور از چند متغیر و شاخص تشکیل شده است که از مجموع این فاکتورها، قدرت ملی ایران مشخص می‌شود. در فاکتور علمی و فناوری، ایران رتبه چهارم جهان اسلام، در فاکتور فرهنگی رتبه دوم جهان اسلام، در فاکتور اجتماعی در رتبه چهارم، در فاکتور سرزمینی در رتبه دوم جهان اسلام، در فاکتور اقتصادی در رتبه چهارم، در فاکتور سیاسی- حکومتی در رتبه سوم جهان اسلام، در فاکتور فرامرزی در رتبه ۳۷، در فاکتور فضایی در

رتبه ششم جهان اسلام و در نهایت در فاکتور نظامی در رتبه سوم قرار دارد. در مجموع فاکتورهای نه‌گانه، ایران در رتبه دوم جهان اسلام قرار دارد.

(نمودار ۱) رتبه‌بندی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام براساس میزان قدرت ملی (مجموع فاکتورهای نه‌گانه)



منبع: (زرقاتی، پیشین: ۲۰)

باتوجه به قرار داشتن ایران در رتبه دوم جهان اسلام در مجموع فاکتورهای نه‌گانه، می‌توان گفت بطور تقریبی در تمامی مولفه‌های قدرت، جمهوری اسلامی ایران از برتری نسبی اما محسوسی در خلیج فارس برخوردار است. بر این اساس برتری قدرت ایران یکی از پایه‌های اتخاذ سیاست امنیتی مبتنی بر مخالفت با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس است. بدیهی است تاکید بر حضور کشورهای منطقه در ترتیبات امنیتی، منجر به در اختیار داشتن دست بالا در تنظیم و برقراری امنیت در خلیج فارس از سوی ایران خواهد شد.

۵۹

۲- سمت‌گیری سیاست خارجی

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، در ایران دولتی مستقر شد که اسلام محافظه‌کار کشورهای عربی را به چالش می‌کشد. نظم سیاسی منطقه از نگاه ایران، باید متحول می‌شد. در این دوره ایران میزان مشروعیت سیاسی کشورهای منطقه را براساس میزان استقلال آنها از قدرت‌های غربی می‌سنجد. به این ترتیب، ایران از کشور حافظ وضع موجود به کشور خواهان تغییر وضع موجود تبدیل شده است، ایران نمی‌تواند رابطه نزدیک کشورهای عربی منطقه با آمریکا را تحمل کند (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۴۹-۱۴۷). ایران در چارچوب یک سیاست خارجی انقلابی و تجدیدنظرطلبانه تلاش می‌کند تا در سیاست خارجی خویش پیروزی در منازعات منطقه‌ای (عراق و سوریه)، برهم زدن ترتیبات موجود در منطقه و نفوذ در کشورهای ضعیف و کوچک (بحرین و یمن) را دنبال کند.

الف) پیروزی در منازعات منطقه‌ای (عراق و سوریه)

تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم صدام حسین تاثیر بسیاری بر منطقه خاورمیانه و نظام بین‌المللی داشته است. نظم گذشته در عراق فرو ریخته و هریک از بازیگران تلاش می‌کنند تا نظم مورد نظر خود را در این کشور برقرار سازند. در این میان، ایران و عربستان رقابت شدیدی را برای شکل‌دهی مناسب به روند اوضاع عراق آغاز کردند. به‌ویژه اینکه به‌رغم حساسیت‌های مذهبی و قومی دولت عربستان، سرانجام پس از طی روندی دموکراتیک، دولت شیعی در عراق قدرت را در دست گرفت (نادری‌نسب، ۱۳۸۶: ۳۲۴).

تغییر ساختار سیاسی عراق از حکومت بعثی و اقلیت سنی به روی کار آمدن یک رئیس‌جمهور کرد و نخست‌وزیر شیعه، خود به خود به افزایش نفوذ ایران در این کشور منجر شد. این تحول در عراق با نارضایتی و نگرانی عربستان سعودی همراه شد (Ottaway, Ibid: 17). عمده‌ترین نگرانی اعراب و در رأس آنها عربستان، به دلیل پررنگ شدن عنصر شیعه، ایجاد ائتلاف میان ایران و عراق و برهم زدن ساختار منطقه به ضرر جوامع سنی، تشکیل ائتلافی در مخالفت با سیاست‌ها و نظم موجود در منطقه و نیز تهدیدی برای حکومت‌های محافظه‌کار منطقه به لحاظ تاثیرگذاری بر اقلیت‌های شیعی و به چالش کشیدن مشروعیت نظام‌های سنی منطقه است (برزگر(الف)، ۱۳۸۶: ۶۷).

۶۰

همین سیاست را می‌توان در سوریه مشاهده نمود. سوریه برای ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. سوریه از اولین کشورهایی بود که پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، دولت ایران را به رسمیت شناخت و نیز از معدود کشورهای عربی بود که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از رژیم صدام حمایت نکرد (کوهکن، ۱۳۹۳: ۱۲۳). جمهوری اسلامی ایران، سوریه را بعنوان عمق استراتژیک خود تعریف می‌کند و حفظ وضع موجود در سوریه و پایان دادن به بحران یا تثبیت حکومت بشار اسد، برای ایران اهمیت بسزایی دارد. با توجه به موارد فوق، ایران در قبال بحران اخیر سوریه، قاطعانه از حکومت اسد حمایت کرده است (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۸). ایران از سیاست تغییر در سوریه حمایت نمی‌کند. زیرا هرگونه تحولی در سوریه به معنای از دست رفتن مهمترین متحد منطقه‌ای آن و از همه مهمتر به هم خوردن توازن کنونی به ضرر نیروهای حامی ایران خواهد بود (برزگر(ب)، ۱۳۹۰: ۵۴).

ب) برهم زدن ترتیبات موجود در منطقه

دولت طرفدار تغییر وضع موجود خواستار برهم زدن موازنه به ضرر دولتی است که خواهان حفظ وضع موجود در منطقه می‌باشد. نمونه چنین سیاستی را می‌توان در اختلاف ایران و عربستان سعودی بر سر ترتیبات امنیتی در خلیج فارس مشاهده کرد.

عربستان سعودی به بهانه بی‌اعتمادی نسبت به ایران از حضور نظامی و یا هر نوع اقدامی که از طرف یک قدرت جهانی در راستای تامین امنیت بخشی از کشورهای خلیج فارس صورت گیرد، پشتیبانی می‌کند. همکاری با دولت‌های غربی بعنوان یک سیاست محوری برای عربستان سعودی مطرح است و به پشتوانه آن در صدد است تا بعنوان یک رهبر منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس ظاهر شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۵۰). در میان قدرت‌های فرامنطقه‌ای عربستان سعودی، بیشترین هماهنگی‌ها را با آمریکا داشته است و کشورهای اروپایی در رده بعدی قرار دارند (اسدی، ۱۳۸۶: ۱۴۶). این کشور از سال ۱۹۹۰ آشکارا طالب حضور نیروهای آمریکایی در منطقه بوده است تا از این طریق امنیت خود را در در راستای حفظ وضع موجود در منطقه تامین نماید. در مقابل سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های امنیتی عربستان، تفکر راهبردی ایران در تامین امنیت خلیج فارس، مخالفت با هرگونه حضور خارجی در آن و حمایت از همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای است. این موضوع به ویژه با حضور نظامی آمریکا در منطقه عینیت می‌یابد (Marschal, 2003: 151).

رویکرد عربستان سعودی مبنی بر حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا در خلیج فارس می‌تواند باعث ایجاد تهدیداتی جدی برای امنیت سرزمینی، تمامیت ارضی و همچنین امنیت رژیم سیاسی ایران شود. باتوجه به روابط خصومت‌آمیز ایران و آمریکا در سه دهه اخیر، سیاست آمریکا بر تضعیف شدید ایران و در صورت امکان تغییر رژیم در این کشور استوار است. در این شرایط، حضور آمریکا در خلیج فارس می‌تواند ۶۱ بسترهای لازم را برای تهدید تمامیت ارضی، ثبات سازمانی و ساختار حکومت افزایش دهد (اسدی، پیشین: ۱۴۶-۱۴۷).

ج) نفوذ در کشورهای ضعیف و کوچک منطقه

جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان تغییرات اساسی در منطقه خاورمیانه بوده است. از این منظر، رهبران کشورهای منطقه، رهبرانی غیرمردمی و مطیع آمریکا و غرب محسوب می‌شوند که زمینه را برای حضور و تسلط آمریکا بر منطقه و در نتیجه رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی فراهم کرده‌اند. این رهبران بین مردم خود مشروعیتی ندارند و تنها عامل بقای آنها استفاده از سیاست اجبار و ثروت‌های نفتی و یا کمک‌های غربی است. بنابراین ایران کشوری خواهان اصلاحات و تغییرات اساسی در منطقه خاورمیانه در راستای نظامی اسلامی و ضدغربی است (برزگر(الف)، پیشین: ۵۴).

ایران همچون سایر بازیگران تاثیرگذار در تحولات جهان عرب با ارزیابی منافع، فرصت‌ها و تهدیدات موجود، سیاست‌های متفاوتی را در قبال کشورهای منطقه اتخاذ نموده است. علت اصلی این تفاوت‌ها شرایط خاص هر کشور و همچنین تلاش برای ایجاد و حفظ توازن منطقه‌ای بوده است. ایران از سیاست تغییر در کشورهای که متحد غرب محسوب می‌شوند حمایت نموده است. ایران به خوبی می‌داند که در عموم این کشورها نیروها

و گروه‌های اسلام‌گرا مهمترین گروه اپوزیسیون محسوب می‌شوند. با به قدرت رسیدن این گروه‌های اسلام‌گرا دست کم سیاست همراهی با غرب و آمریکا تحت تاثیر قرار خواهد گرفت و دیگر آمریکا مانند گذشته متحدانی چون مبارک و بن علی نخواهد داشت (همان). بنابراین، ایران به موازات مبارزه با غرب و آمریکا، خود را موظف به حمایت از نیروهایی می‌داند که بر علیه رهبران غرب‌گرا و حکومت‌های خود نبرد می‌کنند. تلاش‌های ایران برای نفوذ در کشورهای کوچک منطقه مانند بحرین و ضعیف مانند یمن در این چارچوب قرار دارد.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران اصلی در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس است. این کشور سیاست‌های امنیتی ویژه‌ای را در منطقه دنبال می‌کند. محورهای اصلی سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: تاکید بر نظم منطقه‌ای و حذف دولت‌های غیرساحلی از ترتیبات امنیتی خلیج فارس، حمایت از جنبش‌ها و گروه‌های شیعی در منطقه و افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی. در اتخاذ این سیاست‌های امنیتی، عوامل متعددی دخیل هستند. اما مهمترین آنها عبارتند از: برتری قدرت ایران در منطقه و سمت-گیری سیاست خارجی. سنجش قدرت ملی ایران از طریق جمع جبری امتیازات مثبت و منفی درباره ۸۷ متغیر و در قالب نه فاکتور اقتصادی، سیاسی، سرزمینی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، نظامی، فرامرزی و فضایی نشان می‌دهد که بطور تقریبی در تمامی مولفه‌های قدرت، جمهوری اسلامی ایران از برتری نسبت به دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس برخوردار است. بر این اساس برتری قدرت ایران یکی از پایه‌های اتخاذ سیاست امنیتی مبتنی بر مخالفت با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس است. بدیهی است اکتفا به حضور کشورهای منطقه در ترتیبات امنیتی، منجر به ایفای نقش برتر ایران در تنظیم و برقراری امنیت در خلیج فارس خواهد شد. عامل دیگری که باعث شده است ایران سیاست‌های امنیتی متفاوتی را در منطقه دنبال نماید، سمت‌گیری سیاست خارجی این کشور بوده است. ایران با تاکید بر جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش و کمک به آنها در مقابل دولت‌های محافظه‌کار منطقه، خواهان تغییر وضع موجود در منطقه است. این کشور تلاش می‌کند در منازعات منطقه‌ای (عراق و سوریه) پیروز شود، ترتیبات موجود در منطقه را برهم زند و در کشورهای ضعیف و کوچک منطقه مانند بحرین و یمن نفوذ کند. اینها اجزای مختلف سیاست تجدیدنظرطلبانه ایران در منطقه خلیج فارس بوده و به همراه قدرت برتر آن، بنیان‌های لازم را برای تدوین و اجرای سیاست‌های امنیتی آن فراهم می‌کند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آرین(الف)، حسین (۱۳۹۴)، «ایران و شورای همکاری خلیج فارس؛ احتمال رویارویی، موازنه نظامی»
www.radiofarda.com
- ۲- آرین(ب)، حسین (۱۳۹۴)، «نیروی دریایی سپاه؛ گونه‌ها و کاربرد شناورهای پرنده»
www.radiofarda.com
- ۳- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۶)، «جامعه شیعی در عربستان سعودی»، **هفته‌نامه پگاه حوزه**، ش ۲۱۳.
- ۴- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۶)، «آمریکا و عربستان سعودی؛ روابط در پرتو تغییر شرایط منطقه‌ای»، **گزارش راهبردی، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی**.
- ۵- اسلامی، مسعود و دیگران (۱۳۹۳)، «چالش‌های تجزیه عراق: منافع آمریکا و کشورهای همسایه (ایران، ترکیه و عربستان)»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، س ۳، ش ۱۰.
- ۶- اشلی تلیس و همکاران (۱۳۸۳)، **سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۷- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۲)، «نقش عنصر بازاریابی در راهبرد نظامی ایران»، **مجله سیاست دفاعی**، س ۲۲، ش ۸۵.
- ۸- برزگر(الف)، کیهان (۱۳۸۶)، «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس»، **فصلنامه راهبرد**، ش ۴۳، ۶۳.
- ۹- برزگر(ب)، کیهان (۱۳۹۰)، «ایران و تحولات جهان عرب: منافع و ارزش‌ها». www.isrjournals.ir
- ۱۰- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی. www.farsi.khamenei.ir
- ۱۱- بی‌نا(الف) (۱۳۹۲)، «حوت و قدرت بلامنازع سپاه در دریا؛ سریع‌ترین اژدر جهان در خلیج فارس».
www.tasnimnews.com
- ۱۲- بی‌نا(ب) (۱۳۹۴)، «رزمایش ولایت ۹۴ با اقتدار برگزار شد». www.tasnimnews.com
- ۱۳- بی‌نا(ج) (۱۳۹۵)، «حشدالشعبی: امیدواریم سردار سلیمانی در نبرد آزادسازی موصل شرکت کند».
www.tasnimnews.com
- ۱۴- تریف، تری (۱۳۸۳)، **مطالعات امنیتی نوین**، مترجم: علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران.
- ۱۵- توتی، حسینعلی و دوست محمدی، احمد (۱۳۹۲)، «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، س ۱۰، ش ۴۴.
- ۱۶- خلیلی، محمد حسین (۱۳۹۰)، **امنیت در خلیج فارس (اولویت‌ها و راهکارها)**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۱۷- رضوانی‌فر، اسماعیل (۱۳۹۲)، «چالش‌های سیاسی و اجتماعی عربستان در پرتو بیداری اسلامی»، **پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)**، ش ۱.

۱۸- رمضان‌زاده، علی اکبر و دیگران (۱۳۹۲)، «تحول جایگاه منطقه‌ای و روابط تنش‌زای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)، س ۱۲، ش ۷۱.

۱۹- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۲۰- زرقاتی، سید هادی (۱۳۹۲)، «سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، س ۱، ش ۲.

۲۱- صادقی اول، هادی و نقدی عشرت‌آباد، جعفر (۱۳۹۳)، «روابط ایران و دژ منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، ش ۴.

۲۲- طارمی، کامران (۱۳۸۵)، «دیدگاه‌ها و سیاست‌های ایران در مورد امنیت خلیج فارس: خاستگاه‌ها، تحولات و ناکامی‌ها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ش ۷۱.

۲۳- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

۲۴- علایی، حسین (۱۳۹۱)، «بررسی راهکارها و قابلیت‌های جمهوری اسلامی ایران برای تامین امنیت و مقابله با تهدیدات در خلیج فارس»، مجله سیاست دفاعی، س ۲۰، ش ۸۰.

۲۵- غلامحسینی، اسماعیل (۱۳۹۲)، «مکتب رئالیسم و راهبرد نظامی»، مجله سیاست دفاعی، س ۲۱، ش ۸۳.

۲۶- فولر، گراهام (۱۳۹۴)، «آیا ایران، عراق را کنترل می‌کند؟»، مرکز رصد راهبردی اندیشکده‌های استراتژیک. www.eshraf.ir

۲۷- کوهکن، علیرضا (۱۳۹۳)، «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۳، ش ۱۰.

۲۸- ماز، زیو (۱۳۷۹)، امنیت منطقه‌ای، مترجم: داود علمایی، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی دوره عالی جنگ.

۲۹- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه تهران (سمت).

۳۰- ملک محمدی، حمیدرضا و داودی، مهدی (۱۳۹۱)، «تاثیر ایران‌هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، ش ۲.

۳۱- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۹)، سیاست میان‌ملت‌ها، تلاش در راه قدرت و صلح، مترجم: حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.

۳۲- موسوی، سید حسین (۱۳۸۶)، «الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس، تجربه‌ها و موانع»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۰، ش ۴.

۳۳- میرزاده کوهشاهی، مهدی (۱۳۹۳)، «تحولات یمن؛ کشمکش بازیگران داخلی در سایه رقابت‌های منطقه‌ای»، ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، ش ۳۳.

۳۴- ناجی، عبدالناصر و روزا آذرکمند (۱۳۹۲)، «استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات جدید خاورمیانه»، اولین همایش ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه پیام نور طالقان.

۳۵- نادری نسب، پرویز (۱۳۸۶)، «چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۱.

۳۶- نجات، سید علی و دیگران (۱۳۹۵)، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، س ۹، ش ۳۳.

۳۷- نجات، سید علی (۱۳۹۳)، «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۸، ش ۴.

۳۸- نیکو، حمید (۱۳۹۱)، «ماهیت‌شناسی جنبش‌های شیعیان بحرین»، فصلنامه پانزده خرداد، دوره سوم، س ۹، ش ۳۲.

۳۹- هالستی، کالویجاکوی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، مترجم: بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: وزارت امور خارجه.

۶۵

۴۰- هاشمی، فاطمه (۱۳۹۰)، «امنیت پایدار در خلیج فارس: موانع و سازوکارها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۷، ش ۱.

لاتین:

- 1- Burgess, Jr, Ronald L (2010). Iran's Military Power. Statement before the committee on Armed Service. *United States Senate*.
- 2- Cordesman, Anthony H (2006). The Gulf Military Forces in an Era of asymmetric War Iran. *Center for Strategic and International Studies Arleigh A. Burke Chair in strategy*. Web: www.csis.org/burke.
- 3- Cordesman, Anthony H (2015). Iran's Conventional Military Force. available at: www.csis.org.
- 4- Furtig, H (2007). Conflict and Cooperation in the Persian Gulf1: The interregional order and us Policy. *Middle East Journal*.
- 5- Marschall, Christin (2003). Iran's Persian Gulf Policy: From Khomeini to Khatami. Routledge Curzon.
- 6- No name (2016). Iran Military Strength, Current military Capabilities and Available firepower for 2016 Detailed. *Global Firepower*. available at: <http://www.globalfirepower.com>.
- 7- Ottaway, Marina (2009). Iran, the United States, and the Golf: the elusive Regional Policy. *Middle East Program*. Number 105.
- 8- Taylor, Claire (2009). Iran: Conventional Military Capabilities. *International affairs and Defence Section*.